



بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار اقشار مختلف مردم در روز عید سعید غدیر خم - 8 دی / 1386

بسم الله الرحمن الرحيم

عید مبارک غدیر را به همه ی مؤمنان، به همه ی مسلمین در سراسر دنیای اسلام، به همه ی آزادگان که از اعماق دل مشتاق و دلباخته ی آن صفات و خصوصیتی هستند که ما در امیر مؤمنان (علیه الصلوة والسلام) آنها را سراغ داریم، تبریک عرض میکنیم. همچنین بالخصوص این عید سعید را به همه ی ملت ایران و به شما حضار محترم که در این جلسه ی صمیمی حضور یافتید و بخصوص به مردم عزیز و مؤمن کاشان، علمای اعلام و حوزه ی علمیه ی این شهر تبریک عرض میکنیم.

برادران و خواهران عزیز! مسئله ی غدیر از چند جهت قابل توجه و اهتمام است. نباید تصور کرد که عید غدیر یک عیدی مثل بقیه ی اعیاد است. اگرچه جنبه ی نمادین و معنا و مضمون در همه ی اعیاد اسلامی هست، ولی نه به اندازه ای که در عید غدیر این معنا وجود دارد.

یک بُعد این مسئله، مسئله ی جهت اسلام و سمتگیری حرکت اسلامی است که این جزو اعتقادات ماست؛ این جنبه ی ولایت است، اعتقاد به مسئله ی امامت و نصب امام از سوی پیغمبر یعنی در واقع از سوی خداوند متعال. این یک بُعد قضیه است، که اگر با چشم تحقیق مسلمین به این حادثه نگاه کنند، همه این معنا را تصدیق خواهند کرد که این حرکت عظیم پیغمبر در میانه ی راه حج، برگشت از حج، در وسط بیابان، در سال آخر عمر، با آن مقدمات، با آن مؤخرات، نام بردن از امیرالمؤمنین، معرفی کردن امیرالمؤمنین به اینکه «من کنت مولاه فهذا علیّ مولا»، هیچ معنائی جز تعیین خط حکومت و ولایت در اسلام بعد از رحلت پیغمبر اکرم ندارد. معنایش فقط همین است. محققین دنیای اسلام در طول تاریخ همین معنا را احساس کرده اند و فهمیده اند از این حادثه و این عبارت پیغمبر. معلوم میشود که از نظر اسلام، مسئله ی حکومت فقط این نیست که یک قدرتی بیاید در رأس جامعه ی اسلامی قرار بگیرد و کارائی داشته باشد برای اداره ی حکومت و زندگی مردم با نظم و انضباط اداره بشود؛ مسئله فقط این نیست از نظر اسلام، بلکه حکومت در نگاه اسلامی معنای امامت دارد.



امامت یعنی پیشوائی جسم و دل ؛ هردو. فقط حاکمیت بر اجسام نیست، اداره ی زندگی دنیائی و روزمره ی متعارف مردم نیست ؛ مدیریت دلهاست، تکامل بخشیدن به روحها و جانهاست، بالا بردن فکرها و معنویتهاست. این معنای امامت است. اسلام این را میخواهد. ادیان دیگر هم همینجور بوده اند. حالا از ادیان دیگر، سند باقیمانده ی متقنی در دست بشر نیست، لکن اسلام سند روشن دارد.

حرکت اسلام، پیدایش اسلام برای اداره ی زندگی بشر، این معنا فرق جوهری و معنوی را با همه ی حرکت‌های دیگر دارد. دنیا و آخرت را میخواهد اداره کند، تکامل و تعالی حقیقی انسان را در کنار اداره ی زندگی روزمره ی مردم به عهده بگیرد. این، همان معنای امامت است. خود پیغمبر هم به این معنا امام بود که در آن روایت امام باقر (علیه الصلوة والسلام) در منی ، در میان جمعیت، حضرت صداشان را بلند کردند، فرمودند: «ان رسول الله صلی الله علیه و آله کان هو الامام» ؛ پیغمبر امام بود.

امام یعنی حاکمیت دین و دنیا در زندگی مردم. خوب، این يك بُعد قضیه است که این بُعد اعتقادی است و شیعه با این مشعل درخشان، با این منطق روشن، در طول قرنهای متمادی توانسته است حقانیت خود را برای همه ی دل‌هایی که جستجوگر بودند و با انصاف بودند، اثبات بکند.

اینکه شیعه توانسته است بماند و رشد کند، در میان این همه موانع و اشکالاتی که وجود داشته است و فشارهایی که بوده است در طول تاریخ، این به پشتیبانی و اتکاء به همین منطق قوی و روشن بوده است. اگر این منطق قوی نبود، شیعه مضمحل میشد و از بین میرفت. این منطق، منطق بسیار مستحکمی است.

يك بُعد دیگر قضیه، توجه به ارزش معنوی آن شخصیتی است که در این حادثه، پیغمبر او را معین کرد و منصوب کرد ؛ یعنی امیرالمؤمنین (علیه الصلوة والسلام). برای گزینش نسبت به يك چنین منصبی، اگر همه ی عوامل را که در کمال يك انسان دخالت دارند، بشر معمولی بخواد محاسبه کند، یقیناً نمیتواند به همه ی آنها دست پیدا کند. این يك محاسبه ی الهی و فوق بشری لازم دارد. با يك چنین محاسبه ای، نبی مکرم اسلام امیرالمؤمنین را متناسب با این موقعیت و این مقام دانسته است.

خوب، اسلام تا ابدالدهر حکومت خواهد داشت ؛ انواع و اقسام آدم‌هایی که صلاحیتهائی در سطوح مختلف دارند، به



حکومت خواهند رسید. این، قابل پیش بینی بوده از اول اسلام. آن کسی که سرچشمه را باید به او سپرد تا طول تاریخ اسلام از این سرچشمه سیراب شود، او باید کسی باشد در تراز امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام)؛ او نمیتواند یک انسانی معمولی باشد. سرچشمه در اختیار اوست؛ لذاست همه ی ائمه ی ما (علیهم السلام) که خودشان هم صاحب همین منصب بودند - اگر چه فرصت حکومت به آنها داده نشد - همه به امیرالمؤمنین با چشم عظمت نگاه میکردند. ائمه (علیهم السلام) همه، علی بن ابی طالب را مثل یک خورشیدی در آسمان امامت میدیدند که بقیه ی ائمه مثل ستارگان آن آسمانند. امیرالمؤمنین افضل از آنها بود، کما اینکه درباره ی امام حسن و امام حسین (علیهما السلام) با آن مقاماتی که آن دو بزرگوار دارند، پیغمبر میفرماید: «و ابوهما افضل منهما»؛ پدرشان از امام حسن و امام حسین بالاتر است، بافضیلت تر است. این است مقام امیرالمؤمنین.

بنابراین همه ی صفات کمالی که ما برای برگزیدگان خدا قائلیم، این در امیرالمؤمنین (علیه السلام) باید وجود میداشت تا پیغمبر به امر پروردگار او را منصوب کند به این مقام. این هم بُعد دوم است که نگاه به فضیلت امیرالمؤمنین (علیه الصلاة والسلام) است.

یک بُعد دیگر هم که امروز برای ما این بُعد خیلی اهمیت دارد و در غدیر وجود دارد، این است که همه ی ما بدانیم حکومت اسلامی و جامعه ی اسلامی باید شخصیت امیرالمؤمنین و جامعه ای را که امیرالمؤمنین میخواست درست کند، الگو قرار بدهد. الگوی ما این است؛ به آن سمت باید حرکت کنیم. معنایش این نیست که در طول تاریخ از بزرگان و علما و شخصیت‌های برجسته، ممکن است کسانی پیدا بشوند که مثل امیرالمؤمنین یا یک درجه پایین تر از امیرالمؤمنین باشند؛ نه، این نیست؛ بزرگان ما، علمای ما، برجستگان ما، شخصیت‌های ما از قنبر خادم امیرالمؤمنین هم پایین ترند، خاک پای امیرالمؤمنین هم نمیشوند. اینجور نیست که ما بخواهیم کسی را، یا بتوانیم کسی را با آن شخصیت والا مقایسه کنیم؛ این نیست، لکن این هست که ما بایستی کار را با توجه به آن سرمشق انجام بدهیم.

وقتی که سرمشق را مینویسند، الگو را میدهند به دست متعلم که تمرین بکند؛ معنایش این نیست که حتماً این متعلم خواهد توانست مثل آن خط یا مثل آن نقاشی یا مثل آن الگو را از آب دربیآورد آخر کار؛ نه، میگوید به این سمت باید حرکت کنی؛ هدفت باید این باشد؛ همتت باید این باشد. امروز جامعه ی اسلامی ما باید همتش همان چیزی باشد که آن روز امیرالمؤمنین در صدد انجام دادن او بود و در آن فرصتی که به دست آورد برای حاکمیت، آنها را انجام داد. شما نگاه کنید ببینید شاخصه های امیرالمؤمنین و نظامی که او در صدد تشکیل آن نظام بود، چیست. ما باید آن شاخصه‌ها را در نظر بگیریم، به سمت آنها حرکت بکنیم.



شاخصه‌ی عدالت، شاخصه‌ی اخلاق، توحید، کار را برای خدا انجام دادن، در نگاه به آحاد جامعه، نگاه مهربان و عطوفت بار به همه - همه‌ی افراد جامعه - داشتن. امیرالمؤمنین به عامل خود میفرماید که: مردم یا برادر دینی تو هستند یا همجنس تو در بشریتند. ببینید این نگاه چقدر وسیع است. آحاد بشر؛ نگاه عطوفت بار انسان - انسانی که امیرالمؤمنین میخواهد بسازد - نسبت به همه‌ی آحاد بشر این است؛ نگاه عطوفت بار.

بعد، نگاه جدی و قاطع نسبت به گناه و تخلف و خیانت. امیرالمؤمنین از نزدیکترین نزدیکان خود هم تخلف را، خیانت را، انحراف از راه خدا را تحمل نمی‌کرد. آن عطوفت به جای خود، آن نگاه قاطع و ضابطه مند به جای خود. این نگاه امیرالمؤمنین است. اینها الگوست. ممکن است ما در حرکت به سمت این هدف و این الگو بتوانیم از ده درجه، دو درجه، سه درجه جلو برویم و بیشتر نتوانیم؛ اما باید در این جهت حرکت کنیم؛ شاخص ما باید این باشد. این، معنای غدیر است. اینی که ما غدیر را زنده نگه می‌داریم، فقط به خاطر جنبه‌ی اعتقادی آن نیست؛ یا جنبه‌ی مناقبی آن نسبت به وجود مقدس امیرالمؤمنین. این جنبه هم جنبه‌ی بسیار مهمی است. فراموش نباید بکنیم که جامعه‌ی ما یک جامعه‌ی علوی است. آرزوی ما این است که در تراز جامعه‌ی ای که امیرالمؤمنین میخواست بسازد، قرار بگیریم. پس بایستی این معیارها را رعایت کنیم.

یک بُعد دیگر این است که توجه داشته باشیم امیرالمؤمنین با این موقعیت، با این وضوح معنای امامت آن بزرگوار که منصوب پیغمبر و منصوب الهی است، آن وقتی که ملاحظه کرد و دید که جامعه‌ی اسلامی آسیب پذیر است و اگر او بخواهد دنباله‌ی این حق را بگیرد و مطالبه کند، ممکن است اسلام به خطر بیفتد، کنار نشست. این هم یک مسئله‌ی مهمی است. نه فقط کنار نشست - یعنی ادعا را مطرح نکرد که اختلاف و شق عصای مسلمین نشود - بلکه همکاری کرد با کسانی که به نظر امیرالمؤمنین صاحبان منصب حق نبودند - که بر جامعه‌ی اسلامی حکومت میکردند - چون دید که امروز اسلام به این احتیاج دارد؛ فداکاری. این هم یک درس دیگر است برای ما. این هم درس غدیر است، درس علوی است.

ما امروز منطقمان در دنیای اسلام قوی ترین منطق است. در این هیچ شك و شبهه‌ی نباید داشت. منطق شیعه، منطق امامت و ولایت در همه‌ی دورانهای تاریخ همینجور بوده، امروز هم همینجور است. قوی ترین منطقتهاست؛ اما درعین حال ما با اینکه کمال اعتماد را به منطق خود، به روش خود، به منش خود داریم - امروز هم پرچم اسلام دست ملت ایران است - درعین حال همه‌ی برادران دنیای اسلام را از هر مذهبی که هستند، به اتحاد و برادری دعوت میکنیم، نمیخواهیم اختلاف ایجاد شود. اثبات خود را با نفی دیگران نمیخواهیم بکنیم. این، بسیار نکته‌ی مهمی است. این همان انسجام اسلامی است که ما اول امسال عرض کردیم. درست همان نقطه‌ی ای است که دشمنان میخواهند از این نقطه وارد شوند و دنیای اسلام را از آنچه که هست، باز هم ضعیف تر کنند. سالهای متمادی اینها از ضعف دنیای اسلام، ضعف حکومتهای اسلامی استفاده کردند و هر کار دلشان خواست در دنیای اسلام، در منطقه‌ی



اسلامی انجام دادند. حالا که ملت‌های اسلام بیدار شدند و در بخشی از امت اسلامی یعنی این بخش ایران اسلامی یک چنین شکوه و عظمتی به وجود آمده است از اقتدار و حضور مردمی، و ملت‌های دیگر هم روزبه روز بیدارتر میشوند، امروز استکبار - یعنی همان دشمنان همیشگی - باز این وپروس اختلاف را میخواهند با کمال خیانت و رذالت در پیکر بخش‌های اسلامی تزریق کنند؛ اختلافات را تشدید کنند. با این باید مواجه شد. این هم درس غدیر است، این هم درس امیرالمؤمنین است.

کسانی در همان وقت آمدند پیش امیرالمؤمنین که یا علی حق با توست؛ ما می‌آئیم چنین میکنیم، چنان میکنیم، از تو حمایت میکنیم، زیر بار اینها نرو. امیرالمؤمنین ردشان کرد. خود او اگر میخواست از حق خود دفاع کند و قیام کند، احتیاج به کسی نداشت؛ اما دید جامعه‌ی اسلامی تاب تحمل این اختلاف و درگیری را ندارد؛ لذا کنار کشید. این درس است برای ما.

امروز اختلافات را نباید زنده کرد؛ نباید برجسته کرد. نباید فرق اسلامی مقدسات یکدیگر را - که نقطه‌ی حساسیت زای هر فرقه‌ای همان بخش مقدساتش است - مورد اهانت قرار بدهند. روی نقاط حساس یکدیگر انگشت گذاشتن و فشار آوردن، معلوم است تحریک کننده است؛ این به اختلاف دنیای اسلام منتهی میشود؛ این اختلاف نباید باشد. حرف ما این است.

امسال در حج هم به حجاج محترم همین پیام را دادیم؛ گفتیم دلسوزان دنیای اسلام همه‌ی حرفشان این است که روی نقاط حساسیت فرقه‌ها نباید انگشت بگذارند و حساسیت ایجاد کنند؛ دشمنی ایجاد کنند. امروز یک دشمن بزرگی وجود دارد که نه سنی است، نه شیعه، نه به هیچ یک از فرق اسلامی اندک گرایشی دارد؛ اما به سنی نزدیک میشود یک جور تلقین میکند، به شیعه نزدیک میشود یک جور تلقین میکند؛ برای اینکه بین اینها اختلاف و دعوا و جنگ به راه بیندازد. باید مواظب آن دشمن بود.

خدا را شکر میکنیم ملت ایران در طول این بیست و هفت، هشت سالی که خدای متعال این توفیق را داد و اینها توانستند پرچم اسلام را در این سرزمین بلند کنند، جوری عمل کردند که در هر یک از تدابیر استکبار، آنها مقابل ملت ایران شکست خوردند. اگر نوع تحرکات و انگیزشها و حرکت‌های استکبار را در مقابل جمهوری اسلامی در این بیست و هفت، هشت سال فهرست کنیم، در همه‌اش بدون استثناء آنکه شکست خورده، آن جبهه‌ی پرمدها و متکبر و مستکبر بوده است. ما ادعائی هم نداشتیم، اما ما مردم مسلمان به برکت ایمانمان، به برکت توکلیمان، به برکت حضورمان در صحنه، به برکت اینکه میخواستیم مسئولیت خود را انجام دهیم، ما ملت ایران بر همه‌ی این دستگاه



پرهیاھوی استکبار در همه ی این قضایا فائق آمدمیم. اینها به انواع و اقسام خواستند اختلاف ایجاد کنند، نتوانستند. و باید هوشیار باشیم.

راه ادامه ی این موفقیتها، عزیزان من! این است که ما دشمن را فراموش نکنیم. دشمن را فراموش نباید کرد. در همه ی قضایا باید توجه داشت که دشمنی وجود دارد که از غفلت ما ممکن است استفاده کند، ضربه وارد کند. این، روشی است که قرآن به ما یاد میدهد. شما ببینید سرتاسر قرآن چقدر اسم شیطان تکرار شده. خوب، یک بار میگفتند یک شیطانی هست، تمام شد دیگر؛ این برای همین است که انسان در عرصه ی زندگی - که عرصه ی چالشها و مبارزه است؛ زندگی سرتاپا چالش و مبارزه است - فراموش نکند که دشمن دارد و دشمن ممکن است ضربه بزند. راهش این است: دشمن را فراموش نکنیم؛ خدای متعال را هم که پشتیبان ماست، از یاد نبریم؛ احساس مسئولیت حضور در صحنه را هم از یاد نبریم. این، آن عامل بسیار مؤثر و مهم است.

حالا اندکی بعد، انتخابات را ملت ایران در پیش دارد. من درباره ی انتخابات ان شاءالله توصیه هائی دارم و عرض خواهم کرد به ملت ایران. این یکی از آن عرصه های مهم است. این جا بایستی ملت ایران هوشیاری به خرج بدهند، بدانند که این یکی از همان امتحانها، یکی از همان عرصه های کارآمدی، یکی از همان پیچھائی است که از غفلت ما در آنجا ممکن است دشمن استفاده کند و ضربه به ما بزند. البته خدای متعال پشتیبان شما ملت عزیز و شجاع و فداکار و باوفا بوده است، بعد از این هم امیدواریم که خداوند متعال ان شاءالله در همه ی مراحل، ملت عزیز ایران را پشتیبانی کند.

خداوند ان شاءالله این عید را بر همه ی ملت ایران مبارک قرار بدهد و عیدی ملت ایران را یک قدم نزدیک شدن به آرمانهای بلند اسلامی قرار بدهد.

والسلام علیکم ورحمةالله و برکاته